

## نخستین روزنامه فارسی چاپی در ایران

تا آنجا که اطلاع داریم اولین روزنامه چاپی که بزبان فارسی در ایران منتشر شده در سال ۱۲۵۳ یعنی سال چهارم سلطنت محمد شاه قاجار بوده است که آنرا در طهران میرزا محمد صالح مهندس شیرازی بچاپ سنگی انتشار داده .

اطلاع مفصلتر ما راجع بوجود این روزنامه مأخوذ از مقاله ایست که شخصی بتاریخ ۱۸۳۹ میلادی مطابق سال ۱۲۵۵ قمری در روزنامه انجمن آسیائی انگلیس جلد پنجم راجع بآن نوشته و عکس يك نسخه از آن را در همان روزنامه چاپ کرده است . عین این عکس را جناب آقای تقی زاده در شماره سوم کاوه دوره جدید نقل فرموده و در آن شماره و شماره پنجم از سال دوم دوره جدید کاوه معلوماتی نیز در باب این اولین روزنامه چاپی بدست داده اند . خلاصه آن معلومات اینست :

«از اواخر سلطنت فتحعلیشاه در طهران روزنامه ای منتشر میشد که نامی مخصوص نداشت و آنرا که در روی دو ورق بزرگ که يك روی هر ورق آن سفید بود چاپ میکردند ، میرزا صالح شیرازی مهندس آنرا اداره میکرد و در ابتدای يك نسخه از آن که عیناً در مجله انجمن آسیائی انگلیس (جلد پنجم از سال ۱۸۳۹ میلادی) نقل شده این عبارت مسطور است : «اخبار و وقایع شهر محترم الحرام ۱۲۵۳ در دارالخلافه طهران انطباع یافته» .

نویسنده مقاله انگلیسی در روزنامه انجمن آسیائی انگلیس که مقاله خود را در سال ۱۸۳۹ (مطابق ۱۲۵۵ قمری هجری) نوشته میگوید که روزنامه میرزا صالح چند سالی است که در طهران دایر است .

جناب آقای تقی زاده که از تاریخ انتشار اولین شماره این روزنامه میرزا صالح

ظاهراً اطلاعی نداشته اند از همین اشاره مؤلف آن مقاله انگلیسی و از اینکه میرزا صالح شیرازی از رجال بالنسبه معتبر عهدعباس میرزا و فتحعلیشاه بوده چنین حدس زده اند. که انتشار روزنامه میرزا صالح بایستی در اواخر سلطنت فتحعلیشاه صورت گرفته باشد. این حدس چنانکه در قبیل خواهیم گفت درست نیست بلکه بشرح مذکور در فوق نخستین شماره روزنامه مذکور در ۱۲۵۳ سال چهارم سلطنت محمد شاه در طهران انتشار یافته است.

منبع دیگری که در باب این روزنامه اطلاعات ذیقیمتی بدست ما میدهد تاریخ قاجاریه تألیف «ادمون دو نامیل» فرانسویست که کتاب خود را در سال ۱۸۷۳ (۱۲۹۰ هجری) تألیف و در پاریس چاپ کرده است،  
این مؤلف در باب روزنامه میرزا صالح چنین مینویسد:

«در عهد محمد شاه بسال ۱۸۳۷ ۴ اولین بار در طهران روزنامه ای دولتی انتشار یافت و این روزنامه ماهیانه بود. تاریخ انتشار شماره اول آن اول ماه مه است ۳ این روزنامه با چاپ سنگی بقطع یک ورق بزرگ از کاغذ خانابالیغ چاپ میشد ولی چاپ آن چندان عالی نبود.

روزنامه مزبور نام مخصوصی نداشت فقط در آخر صفحه اول آن نشان دولتی ایران موجود بود، همین روزنامه است که پس از تغییراتی محسوس بصورت روزنامه وقایع اتفاقیه یعنی روزنامه رسمی طهران در آمده است.

از این بیان صریحاً معلوم میشود که تاریخ انشاء روزنامه بی نام میرزا صالح شیرازی دوشنبه ۲۵ محرم الحرام سال ۱۲۵۳ هجری است پس عکسی که در روزنامه انجمن آسیائی انگلیس در تاریخ ۱۸۳۹ (۱۲۵۵) از این روزنامه چاپ شده و راجع باخبار وقایع شهر محرم الحرام سال ۱۲۵۳ است عکس شماره اول روزنامه است و اینکه نویسندۀ آن مقاله میگوید که این روزنامه چند سالیست که دایر است مقصودش چند سال از تاریخ تحریر مقاله او یعنی چند سال قبل از سال ۱۲۵۵ است

که از دو تا سه سال پیش از آن تاریخ میشود.

این روزنامه میرزا صالح که بدبختانه با وجود کمال تفحص هیچگونه اثری از آن در طهران بدست نیامد حتی هیچ ذکری نیز از آن در کتب تاریخی ما از آن نیست معلوم نشد که تا چه تاریخ دایر بوده و چه وقت نشر آن موقوف شده همینقدر میتوان حدس زد که تا تاریخ انتشار مقاله روزنامه انجمن آسمانی انگلیس که دو سه سالی بعد از طلوع نخستین شماره آنست دایر بوده.

برای آنکه خوانندگان گرامی از احوال میرزا معتمد صالح ناشر این روزنامه که یکی از اولین ناشرین آثار تمدن جدید در ایران بوده اطلاع مجملی بدست بیاورند میگوئیم که این مرد بسیار زیرک قابل پسر حاجی باقر خان کازرونی شیرازی است و یکی از جمله پنج نفری است که ایشان را در سال ۱۲۳۰ میرزا بزرگ قائم مقام اول بدستور عباس میرزا نایب السلطنه برای تحصیل علوم و فنون جدید بلندن فرستاده و میرزا صالح که در اوایل سال ۱۲۳۵ بایران برگشته سه سال و نه ماه و بیست روز در انگلستان بوده و در این مدت زبانهای انگلیسی و فرانسه و لاتینی را فرا گرفته و در تاریخ و طبیعیات و بعضی فنون مثل شیشه سازی و ساختن مرکب چاپ و تهیه حروف مقطعه و حکاکی و غیرها کار کرده و با سرمایه وافر از این معلومات بتبریز برگشته و شرح رفتن و برگشتن و دوره اقامت خود را در انگلیس در طی کتاب بسیار مفید شیرینی بعنوان سفرنامه خود نوشته است.

در این سفرنامه که ما بعدها در این مجله باز هم بمناسباتی از آن گفتگو خواهیم کرد میرزا صالح راجع بروزنامه و منطبعه در انگلیس و خرید و تهیه اسباب چاپ برای خود و آوردن آنها بایران شرحی مینویسد که ما عین آنها را در اینجا نقل می کنیم:

دریک جا از آن سفرنامه میرزا صالح چنین مینویسد:

دوبنده را یقین این شد که رفتن بایران جزم است، باخود اندیشه نمودم که

بجز تحصیل اگر توانم چیزی از این ولا بایران برم که بکار دولت علیه آید شاید خوب باشد و مدت‌ها بود که خیال بردن چاپ و صنعت باسه در سرمن افتاده بود چند روزی بعد از آن بلندن رفته عالیجاه قولونل خان را دیده کیفیت را باو حالی کردم این مطلب را پسندید و از آن پس مستر دانس نامی که اوستاد چاپ ساز است یعنی مختصم بآن است که انجیل را در زبان فارسی و هندی و سریانی و عربی و سایر زبانهای غریبه چاپ میزند دیده که روزی دو ساعت بنده در کارخانه او رفته من البدایه الی النهایه چاپ را آزموده و از آن پس خانه در حوالی کارخانه دیده اوطاق نشیمن و اوطاق دیگر بجهت معلم فرانسه طی کرده مستر بالفور که در زبان فرانسه مهارت تامی داشته دیده که تا ورود ایلچی ما در منزل من شب و روز مانده و خوراک و منزل و خواب او در پیش من باشد . . . هر روز پنج ساعت قبل از ظهر از خواب برخاسته الی دو ساعت در نزد مستر بالفور زبان فرانسه خوانده و از آن پس نهار کرده مجدداً درس خود را خوانده و از آن پس الی سه ساعت بعد از ظهر کتاب دیگر فرانسیس را خوانده و از آن پس لباس انگریزی در بر کرده بمنزل اوستاد چاپ زن رفته الی چهار ساعت و نیم از ظهر گذشته در کارخانه چاپ سازی مانده از آن پس بیکی از مهمانخانه هاشام خورده و از آن پس بمنزل برگشته بعضی از تواریخ روم و گریک و روس و ترکی و داستانها بزبان انگریزی خوانده و صفحه از فرانسه ترجمه بزبان انگریزی نوشته الی نصف شب . . .

در جای دیگر در همین باب باز چنین مینویسد :

. . . . . استماع افتاد که در دهم ماه جولای (۲۲ شوال ۱۲۳۴) عازم ایران هستیم، بنده بدیدن مستر دانس رقوم، چون در این مدت وقت در کارخانه او همیشه مستمر یعنی هر روزه دو ساعت در کارخانه او رفته، الحق از ابتدا الی انتهای کار از او آموخته و مشار الیه از راه خیر خواهی و نیک ذاتی و صداقت و راستی و درستی

۱- یعنی کننل داری Col. D'Arcy از صاحب منعبان انگلیسی که قبلاً در خدمت

عباس میرزا در آذربایجان بود.

۲- یعنی میرزا ابوالحسنخان شیرازی که خبر سفارت دوم او بلندن در این تاریخ رسیده بود.

کار خود را بمن نموده و مرکب سازی را با وجود اینکه خلاف قاعده کسبه آن ولایت است که مرکب چاپ را مخفی داشته و بهیچکس نشان نمیدهند معیناً بیننده نشان داده خود او وزن او نوع رفتاری با من کرده مبالغ معتدی اجناس چاپ سازی آن را با پرس ۱ کوچکی از برای من خریده و هر چه ابتیاع نمود در نهایت ارزانی بود و قدری از وجه اسباب چاپ باقی بود از سرگور او زلی ۲ قرض کرده و قدری دیگر نیز بمستر دانس قرضدار شده....

در جای دیگر از سفرنامه خود میرزا صالح شرحی در باب روزنامه در انگلستان مینویسد که برای مردم ایران بسیار نازگی داشته و ما آن را نیز ذیلاً نقل میکنیم در این نوشته چنانکه خواهیم دید میرزا صالح روزنامه را «کاغذ اخبار» می نامد و این کلمه که ظاهراً ترجمه «نیوز پیپر» انگلیسی است در اوایل عهد قاجاریه در ایران بجای روزنامه مصطلح بوده. میرزا ابوالحسنخان شیرازی ایلچی کبیر ایران در سفر نامه خود بنام «حیرت نامه» چنین مینویسد: «کاغذ اخباری که نیوز می گویند بکشتی آورده بودند. در یکی از مراسلات حاجی میرزا آقاسی خطاب بمحمد شاه چنین آمده: «... یکی توقف کشتیهاست در سرحد استرآباد که باعث حرفهای دولتهای دیگر آمده از جمله در کاغذ اخبار دولت فرانسه نوشته اند و بعضی را بکاغذ اخبار هندوستان محول نموده....»

اینست شرحی که میرزا صالح در باب روزنامه در انگلستان نوشته:

«در انگلند علی الخصوص در لندن کاغذ اخبار را بتعجیل هر چه تمامتر بولایت انگلند مصحوب کوچ (یعنی پست) میفرستند بعلاوه اینکه اموراتی که در کل دنیا واقع میشود مجموع مردم انگلند بلکه اهالی انگریزی در هندوستان اطلاع می یابند و جوهر عظیمه از بابت مخارج خراج کاغذ اخبار حاصل دولت انگلیس میشود او لاً هر کاغذی را چهار پول سیاه خراج شاهی بدولت انگریز میدهند و ثانیاً هر که را خانه و اسبابی است که بخواهند بقرش رسانند و یا بخرند و هر کاری دارد بخواهد مردم

را اطلاع دهد در چاپخانه رفته موافق سطور اخبار اجرت چاپخانه داده مطلب او را در کاغذ اخبار چاپ میکنند و کمترین وجهی که از برای مطالب مزبور باستانان چاپ زن دهند شش شلینگ و نیم است و هر چه مطلب زیاد دارند زیاده وجه اجرت را باوستانان داده و بعلاوه اینکه از هر کاغذ اخبار چهار پول سیاه خراج دیوانی میگیرند هر یک از اخباراتی که مردم علاوه وجهی داده چاپ میزنند سه شلینگ و نیم بدیوان میدهند...

پس از مراجعت بایران میرزا صالح شیرازی بخیال تأسیس چاپخانه و روزنامه افتاد و با اسبابی که خود همراه آورده و تحصیلاتی که در این راه کرده بود این کار برای او آسان تر مینمود تا برای دیگران بعدها یکی از مردم شیراز را هم با مخارج زیاد برای یاد گرفتن صنعت چاپ پیتربورگ فرستاد و او پس از مراجعت در تبریز مطبعه ای سنگی تأسیس نمود ولی باید دانست که این اولین مطبعه ای نبود که در ایران ایجاد شد. برای معرفت بسابقه این کار رجوع شود بمقاله نفیسی که در این باب در شماره پنجم از سال دوم دوره جدید روزنامه کاوه مندرج است.

میرزا صالح شیرازی که در اوایل سال ۱۲۳۵ بتبریز برگشته و عنوان مهندس پیدا کرده بعلت دانستن چند زبان و آشنا بودن بفنون مختلفه و آداب بین المللی هم مأمور تعلیم شاگردانی شد و هم در دستگاه قائم مقام اول و عباس میرزا از او در ترجمه و کارهای سیاسی استفاده می کردند. در سال ۱۲۳۷ بعنوان سفارت مخصوص از طرف نایب السلطنه بلندن رفت و در ۱۲۴۵ جزء همراهان خسرو میرزا در سفارت پیتربورگ بود و در سال ۱۲۴۸ از کسانی بود که پندیرائی از وزیر مختار جدید روسیه مأمور گردید عاقبت و سال فوت او بدست نیامد همینقدر مسلم است که تا سال ۱۲۵۵ که روزنامه او در طهران هنوز دایر بوده حیات داشته است. این جمله خلاصه ایست از احوال میرزا محمد صالح مهندس شیرازی و آنرا برای آن نوشتیم تا خوانندگان محترم اجمالاً باحوال و اقدامات یکی از اولین کسانی که در راه نشر معارف اروپائی در ایران کوشیده و تا آنجا که اطلاع داریم بانی اول روزنامه فارسی چاپی در کشور ماست سابقه پیدا کنند.